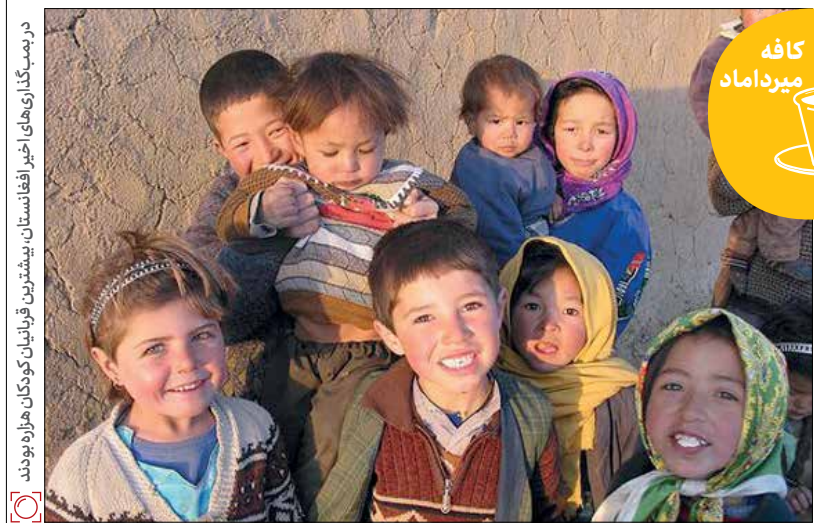


<p>■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیماي جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤؤل: مهدی عرفاتی</p>		<p>حدیث روز: امام حسین(ع): خوش‌خویی، عبادت است و سکوت، زینت</p>
<p>واحه: دارم امید عاطفتی از جناب دوست کردم جنابتی وامیدم به عقواوست</p>		<p>اوقات شرعی: اذان ظهر: ۱۳:۰۳ اذان مغرب: ۲۰:۳۹ اذان صبح (فردا): ۴:۰۳ غروب آفتاب: ۲۰:۱۸ نیمه شب شرعی: ۰۰:۱۱ طلوع خورشید(فردا): ۵:۴۸</p>
<p>امروز در تاریخ: <div> <div> پرده برداری از مجسمه فردوسی در تهران (۱۳۳۸ ش) تحریم هر گونه ارتباط با رژیم صهیونیستی از جانب امام خمینی (۱۳۴۶ ش) حمله سربازان پهلوی به مدرسه فیضیه و کشتار طلاب و فضایی قم (۱۳۵۴ ش) اعلام ملی شدن بانک‌ها با تصویب شورای انقلاب (۱۳۵۸ ش) </div> </div> </p>		<p>وضعیت آب و هوای امروز</p>
<p>دوشنبه ۱۷ خرداد ۱۴۰۰ ۲۶ شوال ۱۴۴۲ صفحه ۲۰ سال بیست و دوم - شماره ۵۸۵۵ استان تهران و البرز: ۲۵+ - دیگر استان‌ها: ۱۵+ تومان Monday - June 7, 2021</p>		<p>تهران ۲۳ / ۳۴ اصفهان ۱۵ / ۳۸ اردبیل ۱۰ / ۲۱ اهواز ۳۰ / ۴۴ بوشهر ۳۱ / ۴۰ رشت ۱۹ / ۲۴ زاهدان ۲۲ / ۴۲ مشهد ۲۲ / ۳۶</p>



حکیمی از حکمای مخفی که ظاهری چون اشخاص عادی داشتند و به‌طور مخفیانه و زیرپوستی به هدایت و ارشاد مردم می‌پرداختند، از درهای می‌گذشت، در پایین دره چوپان پیری را مشاهده کرد که گله را برای چرا به دره آورده و در سایه درختی لمیده و مشغول استراحت بود. حکیم نزد چوپان رفت و سلام کرد و اجازه گرفت و در کنارش نشست. چوپان نیز کیسه ناهار خود را باز کرد و به حکیم تعارف کرد و گفت: «غذا زیاد است و به هردوی مان می‌رسد.» حکیم وقتی دید غذا زیاد است با چوپان هم سفره شد و چوپان ناهار را روی آتش گذاشت و هردو دور آتش نشستند. حکیم خود را به آن راه زد و به چوپان گفت: «به نظر تو خدا وجود دارد؟» چوپان گفت: «بلی.» حکیم گفت: «وگو؟» چوپان گفت: «همه چیز که دینی نیست.» حکیم خود را بیشتر به آن راه زد و گفت: «اگر آن‌طور که حکما می‌گویند خدا وجود داشته باشد، ما باید قبول کنیم که آزاد نیستیم و مسؤول هیچ کدام از اعمال خود هم نیستیم، زیرا او قادر مطلق است و اکنون و گذشته و آینده را می‌شناسد و دیگر ما کارهای نیستیم.» در این لحظه چوپان زیر آواز زد و پژواک آوازش در همه جای دره پیچید. سپس ناگهان آوازش را قطع کرد و شروع به ناسزا گفتن به همه چیز و همه کس و تک‌تک شان کرد و در پایان گفت: «خدا شاهده.» صدای فریادها و فحش‌های چوپان نیز در کوه‌ها پیچید و تبدیل به پژواک شد و به‌سوی آن دو بازگشت. پس از آن که صداهای تمام شد، چوپان رو به حکیم کرد و گفت: «زندگی مانند همین دره است، کوه‌ها علم و آگاهی پروردگارند و آوای انسان، سرنوشت اوست. ما آزادیم آواز بخوانیم یا فحش‌های ناجور بدهیم اما باید بدانیم هر کار که می‌کنیم به درگاه خداوند می‌رسد و به همان شکل به‌سوی ما برمی‌گردد.» حکیم که از عمق معرفت چوپان شگفت زده شده بود، پرسید: «تو کیستی؟» چوپان گفت: «من هم مثل خودت از حکمای مخفی هستم که در پوشش چوپان به ارائه حکمت‌های مختلف می‌پردازم.» در این لحظه غذا گرم شد و دو حکیم باهم غذا خوردند و به ادامه بحث‌ها و تبادل نظرهای حکمی پرداختند. □



در مجیدگزارهای خیر افغانستان بیشترین قربانیان کودکان هزاره بودند.

■ **دروطن خویش غریب** ■
کاطمی می‌گوید: «هزاره‌ای‌ها در طول تاریخ به‌صورت مداوم برای ادامه بقا مجبور به مهاجرت از افغانستان بوده‌اند یا به ایران آمده‌اند یا به پاکستان رفته‌اند و شهر کویت یا پاکستان بیشترین مهاجر هزاره‌ای را دارد؛ البته در این شهر هم بمبگذاری‌های زیادی می‌شود و هزاره‌ای‌های زیادی کشته می‌شوند. حاکمانی که حکومت را به‌دست می‌گیرند پشتون و اهل تسنن هستند. حکومت بین خانواده‌ها و خاندان‌های مختلف می‌چرخد اما هرگز به شیعیان و هزاره‌ای‌ها نمی‌رسد. در این میان فقط امانا... خان وقتی به حکومت رسید، کمی شرایط برای هزاره‌ای‌ها بهتر شد او تبعیض‌ها را کمتر کرد و سنت برده‌داری هزاره‌ای‌ها را لغو کرد اما زمانی که فوت کرد دوباره شرایط به حال قبل برگشت. چند سالی است که شرایط برای این قوم بسیار بد شده و ترورها و بمبگذاری‌ها بیشتر برای کشتن هزاره‌ای‌هاست و تبدیل به نسل‌کشی شده است. مجامع جهانی هم در برابر این نسل‌کشی سکوت کرده‌اند چرا که حاکمان و گروه‌های تندروی افغانستانی در میان سیاستمداران جهان نفوذ دارند و اجازه نمی‌دهند صدای آنها را جهان بشنود یا در قبال محافظت از آنها حرکتی انجام دهد. هشتگی که در تویتتر راه‌اندازی شده شاید زیاد موثر نباشد یا نتوان ایجاد جدی برای هزاره‌ای‌ها انجام داد اما همین‌که برای مدت اندکی نگاه‌ها را به سمت قوم هزاره جلب کند باز هم غنیمت است. هزاره‌ای‌ها رسانه‌ای ندارند، رسانه‌ها معمولاً دست حاکمان و قدرت حاکم است و مردمی که از طبیعی‌ترین حق حیات محرومند مسلماً از رسانه سهمی ندارند. در بمبگذاری مکتب سیدالشهدا در بیمارستان زنان و در دانشگاه تعداد زیادی زن و بچه و نوجوان و جوان کشته شدند اما تقریباً هیچ صدایی از هیچ‌کس در سراسر دنیا درنیامد. ما امیدواریم با کمک شبکه‌های اجتماعی و ترند شدن هشتگ «کشتن هزاره‌ای‌ها را متوقف کنید» صدای این مردم مظلوم به گوش جهان برسد. هر چند سال‌هاست دنیا چشم و گوشش را روی افغانستان بسته است و صدای مردم این کشور را نمی‌شنود.» □

لهجه خاص خود را دارند. از وقتی قوم هزاره شکل گرفت هیچ‌وقت حاکمیت در افغانستان شیعه نبود، به همین دلیل هزاره‌ای‌ها مورد محبت یا توجه حاکمیت نبوده و هر کسی سرکار بوده بیشترین ستم را به این قوم کرده و آنها را به حاشیه رانده‌است. هزاره‌ای‌ها در مناطق کوهستانی و سردسیر که زمینی برای کشاورزی ندارد، زندگی می‌کنند و اگر به شهرها می‌آیند در حاشیه شهرها و مناطق کم‌برخوردار ساکن می‌شوند. قوم سخت‌کوش و با استعدادی هستند و به همین دلیل هزاره‌ای‌ها در ایران وقتی جذب بازار کار می‌شوند، بسیار کارآمدن حتی اگر کارهای خدماتی و کارگری باشد. بچه‌ها بسیار با استعدادند و باهوش و برای همین زمانی‌که وارد مدرسه و دانشگاه می‌شوند نمرات و رتبه‌های خوبی می‌گیرند. همین چند روز قبل خبری منتشر شد که یک دانشجوی افغانستانی رتبه یک المپیاد ریاضی در ایران را از آن خود کرده‌است. او هزاره‌ای است. یک دختر خانم هم چندی قبل رتبه علمی گرفته بود که او هم هزاره‌ای بود. سید حسن اشراق، استاد فلسفه یکی از معتبرترین دانشگاه‌های آمریکا هم متعلق به قوم هزاره است. آقای سرور دانش، معاون رئیس‌جمهوری افغانستان هم هزاره‌ای است. هر هزاره‌ای که توانسته درس بخواند و به دانشگاه راه پیدا کند به استعدادی درخشان تبدیل شده است.»

■ **یکی از قدیمی‌ترین اقوام افغانستان** ■
کاطمی درباره قوم هزاره می‌گوید: «یکی از قدیمی‌ترین قوم‌های افغانستان هستند. زمانی که ترک‌ها به این کشور آمدند و با اقوام قدیمی‌تر افغانستان وصلت کردند، قوم هزاره هم شکل گرفت. شیعه هستند و فارسی‌زبان که فارسی را با لهجه خاص خود صحبت می‌کنند. همان‌گونه که در ایران مردم مناطق مختلف با لهجه خاص خود صحبت می‌کنند، هزاره‌ای‌های افغانستان هم

■ **بادبادک‌بازی که ادامه پیدا نکرد** ■
کاطمی می‌گوید: رمان بادبادک‌باز را چندین سال قبل خالد حسینی نوشت؛ رمانی که شخصیت اصلی آن کودکی هزاره‌ای بود که در زندگی با ستم‌های زیادی روبه‌رو شده بود. این کودک نماد قوم هزاره است. ظلمی که به او می‌شود و طبقه کارگری و فرودستی که کودک در آن بزرگ شده و مجبور می‌شود ستم‌ها و کمبودهای زیادی را تحمل کند. بادبادک‌باز یکی از موفق‌ترین رمان‌هایی بود که چهره پردرد قوم هزاره را به تصویر کشید و بعد از آن دیگر هیچ اثر ادبی نتواست مثل بادبادک‌باز جریان‌سازی کند اما این جریان هم زود به فراموشی سپرده شد و ادامه پیدا نکرد و قوم هزاره باز هم بی‌کس و تنها به حال خود رها شد.



گفت‌وگو با محمد کاظم کاظمی، شاعر افغانستانی درباره نسل‌کشی قوم هزاره

هیچ‌کس به فکر هزاره‌های افغان نیست

هستند و سفرهای آنها روز به روز بیشتر می‌شد. دخترها و مادر رنجیده از این‌که چه چرا به آنها می‌گویند بربر. شاید به این دلیل که چشمانشان کشیده بود. دخترها می‌گفتند ما بربر نیستیم، بربرها بازمانده قوم مغولند و ما افغانستانی هستیم و هزاره‌ای. هر دو دختر شاگرد ممتاز مدرسه بودند. آنها درس خواندند و به دانشگاه رفتند و درس طراحی لباس خواندند و از همان زمان تحصیل در مدرسه خیاط‌خانه‌ای دایر کردند و در کارشان موفق شدند و البته هرگز به افغانستان برنگشتند. سال‌های زیادی طول کشید تا به هزاره‌ای‌های مشهد دیگر نگفتند بربر و کم‌کم به آنها صفت خاوری دادند. باز هم جدایشان کردند، هر چند متولد مشهد بودند اما باز هم بهتر از بربر بود. کاظمی درباره خاوری‌های مشهد می‌گوید: «هزاره‌ای‌های افغانستان حدود ۲۰۰ سال قبل به دلیل ستمی که به آنها می‌شد مهاجرت به ایران به‌خصوص استان‌های شرقی و خراسان را آغاز کردند و برخی از آنها آنقدر قدیمی هستند که دیگر نمی‌توان آنها را افغانستانی دانست، آنها ایرانی‌های هزاره‌ای هستند و به خاوری شهرت دارند.»

■ **یکی از قدیمی‌ترین اقوام افغانستان** ■
کاطمی درباره قوم هزاره می‌گوید: «یکی از قدیمی‌ترین قوم‌های افغانستان هستند. زمانی که ترک‌ها به این کشور آمدند و با اقوام قدیمی‌تر افغانستان وصلت کردند، قوم هزاره هم شکل گرفت. شیعه هستند و فارسی‌زبان که فارسی را با لهجه خاص خود صحبت می‌کنند. همان‌گونه که در ایران مردم مناطق مختلف با لهجه خاص خود صحبت می‌کنند، هزاره‌ای‌های افغانستان هم

■ **بادبادک‌بازی که ادامه پیدا نکرد** ■
کاطمی می‌گوید: رمان بادبادک‌باز را چندین سال قبل خالد حسینی نوشت؛ رمانی که شخصیت اصلی آن کودکی هزاره‌ای بود که در زندگی با ستم‌های زیادی روبه‌رو شده بود. این کودک نماد قوم هزاره است. ظلمی که به او می‌شود و طبقه کارگری و فرودستی که کودک در آن بزرگ شده و مجبور می‌شود ستم‌ها و کمبودهای زیادی را تحمل کند. بادبادک‌باز یکی از موفق‌ترین رمان‌هایی بود که چهره پردرد قوم هزاره را به تصویر کشید و بعد از آن دیگر هیچ اثر ادبی نتواست مثل بادبادک‌باز جریان‌سازی کند اما این جریان هم زود به فراموشی سپرده شد و ادامه پیدا نکرد و قوم هزاره باز هم بی‌کس و تنها به حال خود رها شد.

هیچ‌کس به فکر هزاره‌های افغان نیست

هستند و سفرهای آنها روز به روز بیشتر می‌شد. دخترها و مادر رنجیده از این‌که چه چرا به آنها می‌گویند بربر. شاید به این دلیل که چشمانشان کشیده بود. دخترها می‌گفتند ما بربر نیستیم، بربرها بازمانده قوم مغولند و ما افغانستانی هستیم و هزاره‌ای. هر دو دختر شاگرد ممتاز مدرسه بودند. آنها درس خواندند و به دانشگاه رفتند و درس طراحی لباس خواندند و از همان زمان تحصیل در مدرسه خیاط‌خانه‌ای دایر کردند و در کارشان موفق شدند و البته هرگز به افغانستان برنگشتند. سال‌های زیادی طول کشید تا به هزاره‌ای‌های مشهد دیگر نگفتند بربر و کم‌کم به آنها صفت خاوری دادند. باز هم جدایشان کردند، هر چند متولد مشهد بودند اما باز هم بهتر از بربر بود. کاظمی درباره خاوری‌های مشهد می‌گوید: «هزاره‌ای‌های افغانستان حدود ۲۰۰ سال قبل به دلیل ستمی که به آنها می‌شد مهاجرت به ایران به‌خصوص استان‌های شرقی و خراسان را آغاز کردند و برخی از آنها آنقدر قدیمی هستند که دیگر نمی‌توان آنها را افغانستانی دانست، آنها ایرانی‌های هزاره‌ای هستند و به خاوری شهرت دارند.»

■ **بادبادک‌بازی که ادامه پیدا نکرد** ■
کاطمی می‌گوید: رمان بادبادک‌باز را چندین سال قبل خالد حسینی نوشت؛ رمانی که شخصیت اصلی آن کودکی هزاره‌ای بود که در زندگی با ستم‌های زیادی روبه‌رو شده بود. این کودک نماد قوم هزاره است. ظلمی که به او می‌شود و طبقه کارگری و فرودستی که کودک در آن بزرگ شده و مجبور می‌شود ستم‌ها و کمبودهای زیادی را تحمل کند. بادبادک‌باز یکی از موفق‌ترین رمان‌هایی بود که چهره پردرد قوم هزاره را به تصویر کشید و بعد از آن دیگر هیچ اثر ادبی نتواست مثل بادبادک‌باز جریان‌سازی کند اما این جریان هم زود به فراموشی سپرده شد و ادامه پیدا نکرد و قوم هزاره باز هم بی‌کس و تنها به حال خود رها شد.

چگونه رئیس‌جمهوری شویم؟

■ **خاص باشید، ماست باشید** ■
قسمت ششم
پس از طی پنج مرحله قبلی حالا شما به درجه‌ای از عرفان در زمینه ریاست‌جمهوری رسیده‌اید که یک کاندیدای بالقوه برای تمام قرون و اعصار به حساب می‌آیید و از این پس باید روش خود را تغییر داده و پس از تثبیت جایگاه نامزدی به افزایش آرای‌تان بپردازید که خیلی هم سخت نیست و ما بهتان می‌گوییم چکار کنید.

■ **اسرار ره‌یود کنید** ■
مردم ما عاشق رمز و راز هستند و دوست دارند یکپو خبری در مورد شما منتشر شود که هیچ‌کس نمی‌داند. یا در بهترین حالت، یکی از اقوام درجه یک بیاید و یک رازی درباره شما فاش کند. آن وقت ما همه به شما رای می‌دهیم. مثلاً پسران بگویند «بابا همیشه عادت دارد در خانه زیرشلواری راه‌راه بپوشد و چایش را با مویز بخورد» این جمله معجزه می‌کند چرا که ما معمولاً در خانه با لباس اسکی تردد می‌کنیم و چای‌مان را هم با خاویار سرو می‌کنیم. نکته مهم اما این‌که در جمله‌تان حتماً از «بابا» استفاده کنید نه «بابام». این جوری خیلی خاص‌تر به چشم می‌آیید. **حاشیه بیا منو بگیر**: یک روزهایی هست که هیچ‌کس به شما محل نمی‌گذارد و فکر خاصی به ذهن‌تان نمی‌رسد. در این حالت بهترین کار این است شما بروید تو حاشیه. یعنی مثلاً فیلم انتخاباتی‌تان را که سر جمع دو میلیون و ۵۰۰ خرچش شده، نیم ساعت دیر برسانید نه تلویزیون و بعد اعلام کنید، فیلم انتخاباتی‌تان را سانسور کردند. یایک چیز ی بگردید تا وی‌فیلم‌تان که سینماهای فنلاند هم آن را پخش نمی‌کنند یا نهایتاً تماشاایش برای افراد زیر ۹۵ سال و دارای قوه باصره ممنوع است. با این روش شما به صدر اخبار می‌آیید و همه به مظلومیت شما پی می‌برند و برو که رفتیم پاستور.

■ **کاری به بقیه نداشته باشید** ■
این مورد دقیقاً برعکس مورد بالا است و در مناظرات انتخاباتی قطعاً جواب می‌دهد. وقتی همه دارند در مناظرات همدیگر را رنده می‌کنند و با تانک از روی هم رد می‌شوند، شما به پروژکتورها و عوامل پشت‌صحنه توجه کنید و وقتی نوبت‌تان رسید، حرف خودتان را بزنید و هفت هشت تا نمودار هم بگیرید دست‌تان که همه دارند صدوعدمی‌کنند و معلوم نیست آن بالا دنبال چه هستند ولی خب به شما کمک می‌کنند بی‌توجه به دنیا و مافیها و البته مافیای جلوه کنید و صد درصد برنده رقابت‌ها شوید. □

بازگشت آنتونی کوپین به مکزیک



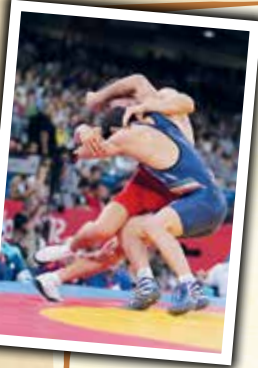
پیکر بی‌جان آنتونی کوپین به مکزیک منتقل می‌شود. این بازگر قبل از مرگ وصیت کرده‌است و ا را به شمال مکزیک، جایی که متولد شده، ببرند. نزدیکان این بازگر می‌گویند این آرزوی دیرینه و همیشگی کوپین بود که راهی مکزیک شود. سال قبل این بازگر در سفری که به مکزیک کرد به شدت تحت تأثیر محیط قرار گرفت. این دومین و آخرین باری بوده که آنتونی کوپین به سرزمین مادری خود سفر کرد و چهار روز در آنجا ماند. آنتونی کوپین، بازگر سرشناس سینما سه روز قبل در ۸۶ سالگی در آمریکا درگذشت. مراسم ویژه‌ای از سوی خانواده اش در آمریکا برای او برگزار خواهد شد. (صفحه ۳)

هشدار نسبت به ذخیره آب تهران

معاون وزیر نیرو در امور آب اعلام کرد: هنوز نگرانی‌های جدی برای تأمین آب مورد نیاز برخی شهرهای کشور از جمله تهران وجود دارد و چنانچه صرفه‌جویی قابل ملاحظه‌ای در مصرف آب صورت نگیرد برای تأمین آب مورد نیاز این شهرها با محدودیت آبی روبه رو خواهیم شد. ذخیره آب ۲۵ سد بزرگ ایران در پایان اردیبهشت امسال به ۱۱ میلیارد و ۷۰۰ میلیون مترمکعب رسید. ورودی آب به ۲۵ سد بزرگ کشور در پایان اردیبهشت سال جاری ۷۲۸ مترمکعب بر ثانیه رسید که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۱۰ درصد رشد داشت. (صفحه ۴)

مهدی نصیری طلا گرفت

در دومین روز از رقابت‌های کشتی فرنگی قهرمانی آسیا در مغولستان، تیم ملی کشتی فرنگی ایران در چهار وزن نخست به یک مدال طلا و سه مدال نقره دست یافت. در وزن ۵۴ کیلوگرم حسن رنگرز مدال نقره گرفت و در وزن ۶۳ کیلوگرم مهدی نصیری توانست کشتی‌گیری از قزاقستان را مغلوب کرده و برنده مدال طلا شود. در وزن ۷۶ کیلوگرم مرعشیان در کشتی‌نهایی در مصاف با حریف ژاپنی اسپر فن کم‌ر شد و مدال نقره گرفت. (صفحه ۱۵)



میلیون‌ها رأی دهنده در انتظار انتخابات

مردم کشورمان فردا برای خلق حماسه‌ای دیگر و جلوه‌ای پرشکوه از جمهوریت نظام اسلامی به پای صندوق‌های رای می‌روند تا انتخابات سالم را به پرورنده زرین و پرافتخار مشارکت واقعی خود بیفزایند. برای مردم پیش از آن‌که رئیس‌جمهوری منتخب مهم باشد سلامت انتخابات اهمیت دارد. موسوی لاری، وزیر کشور درباره شمارش آرا گفت: شمارش دستی انجام می‌شود و امیدواریم در کمتر از ۲۴ ساعت پس از پایان مهلت اخذ رأی نتایج هشتمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری اعلام شود. (صفحات یک و دو)

